رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۷، شماره پیاپی ۱۲۴، مهر ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(7), 2026

نقش میانجی کفایت هیجانی در رابطهٔ بین مخالفت در روابط عاشقانه و نگرش به روابط فرازناشویی در زنان متأهل

The mediating role of emotional competence in the relationship between romantic disagreement and attitudes towards extramarital relationships among married women

دکتر حسن سطوت قصریکی
استادیار روانشناسی، گروه روانشناسی واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، ایران.
مریم شجاعی بابامیری
کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد بوکان، دانشگاه آزاد اسلامی، بوکان، ایران.
دکتر گلاویژ علیزاده (نویسنده مسئول)
استادیار روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

Hassan Satvat Qasriki
Assistant Professor, Department of psychology, Urmia Islamic Azad University, Urmia, Iran.
Maryam Shojaee Babamiri
Msc Clinical Psychology, Department of Psychology, BOu.C, Islamic Azad University, Boukan, Iran.
Dr. Galavizh Alizadeh *
Assistant Professor of Educational Psychology, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.
g.alizadeh@umz.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی کفایت هیجانی در رابطهٔ بین مخالفت در روابط عاشقانه و نگرش به روابط فرازناشویی در زنان متأهل انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل زنان متأهل شهر بوکان در سال ۱۴۰۳ بود. در این پژوهش ۴۰۰ شرکت‌کننده از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی (ATIS؛ واتلی، ۲۰۰۸)، مخالفت در روابط عاشقانهٔ (RDRRS؛ لوپز و همکاران، ۲۰۲۰) و نیمرخ کفایت هیجانی (PEC؛ براسور و همکاران، ۲۰۱۳) پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. یافته‌ها نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوب برخوردار است. نتایج نشان داد بین کفایت هیجانی و مخالفت در رابطهٔ عاشقانه با نگرش به روابط فرازناشویی رابطهٔ معنادار وجود داشت (p <۰/۰۱). همچنین رابطهٔ مخالفت در روابط عاشقانه با کفایت هیجانی منفی و معنادار بود (p <۰/۰۱). نتایج آزمون بوت استراپ نشان داد که کفایت هیجانی بین مخالفت در روابط عاشقانه و نگرش به روابط فرازناشویی نقش میانجی داشت (p<۰/۰۱). این نتایج نشان می‌دهد که مخالفت در روابط عاشقانه با توجه به نقش مهم کفایت هیجانی تبیین‌کنندهٔ نگرش به روابط فرازناشویی در زنان متأهل است. بنابراین مطرح کردن چنین موضوعاتی در برنامهٔ مداخلات زوج‌درمانی حائز اهمیت است و می‌تواند مانع از وقوع روابط فرازناشویی و فروپاشی زندگی زوجین شود.

واژه‌های کلیدی: *مخالفت در روابط عاشقانه، کفایت هیجانی، نگرش به روابط فرازناشویی.*

Abstract

The present study aimed to investigate the mediating role of emotional competence in the relationship between romantic disagreement and attitudes towards extramarital relationships among married women. The method of this study was descriptive-correlational SEM. The statistical population consisted of married women in Boukan during 2024. A total of 400 participants were selected through the available sampling and responded to the attitude towards extramarital relationships scale (ATIS; Whately, 2008), disagreement in romantic relationships (RDRRS; Lopez et al, 2020) and Profile of Emotional Competence (PEC; Brasseur et al, 2013). Data were analyzed using SEM. The results indicated that the proposed model demonstrated satisfactory fit indices. The results showed that there was a significant negative and positive relationship between emotional competence and disagreement in romantic relationships with attitudes towards extramarital relationships respectively (p<0.01). Also, the relationship between disagreement in romantic relationships and emotional competence was negative and significant (P<0.01). The results of the bootstrap test showed that emotional competence play a mediating role in the relationship between disagreement in romantic relationships and attitude towards extramarital relationships (P<0.01). The results show that disagreement, due to the important role of emotional competence, can explain attitude towards extramarital relationships in married women. Therefore, raising such issues in couples therapy intervention programs is important and can prevent the occurrence of extramarital relationships and the collapse of couples' lives.

Keywords: *Disagreement In Romantic Relationships, Emotional Competenc, Attitude Towards Extramarital Relationships.*

نوع مقاله: پژوهشی | **دریافت:** اردیبهشت ۱۴۰۵ | **پذیرش:** مرداد ۱۴۰۵ | **ویرایش نهایی:** مهر ۱۴۰۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

مقدمه

در ساختار خانواده، زنان نقش محوری در حفظ صمیمیت و پویایی روابط زناشویی ایفا می‌کنند؛ با این حال شمار زیادی از زنان خلاءهای عاطفی و نیازهای بی‌پاسخ را تجربه می‌کنند که امنیت و سلامت‌روانی آنان را به خطر می‌اندازد (مافوزا[1] و همکاران، ۲۰۱۷). در سال‌های اخیر نیز، دگرگونی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی الگوهای سنتی روابط را تغییر داده است؛ تحولی که نمود آن را می‌توان در کاهش معنادار شکاف جنسیتی و افزایش نرخ مشارکت زنان در برقراری روابط فرازناشویی[2] مشاهده کرد (محمدی و کریمی، ۲۰۲۵). یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان متأهل در مواجهه با طیفی از فشارهای روانی-اجتماعی از جمله فقدان حمایت عاطفی، نیازهای برآورده نشده، تجارب خشونت و همچنین پیچیدگی‌های تعاملات در شبکه‌های اجتماعی، ممکن است به سوی روابط فرازناشویی کشیده شوند (روکاچ و چان[3]، ۲۰۲۳). روابط فرازناشویی که به صورت درگیری‌های جنسی، عاطفی یا مجازی با فردی غیر از همسر تعریف می‌شود (پیچون و همکاران[4]، ۲۰۲۰)، با تهدید مستقیم ثبات و بقای پیوند زناشویی پیامدهای مخربی نظیر بروز اختلالات روان‌شناختی، تجربهٔ هیجانات منفی (به ویژه احساس گناه و نشخوار ذهنی) و در نهایت گسست کامل رابطه را به همراه دارد (روکاچ و چان، ۲۰۲۳). علاوه بر این، علی‌رغم عدم پذیرش روابط فرازناشویی در جوامع متغیرهایی مانند پیشینهٔ خشونت یا خیانت متقابل، نقشی تعیین‌کننده در تعدیل نگرش فرد ایفا کرده و زمینه‌ساز توجیه‌پذیری این رفتارها را فراهم می‌کنند (روزالین و کاسرانی[5]، ۲۰۲۴). با عنایت به پیامدهای منفی روابط فرازناشویی، چالش اصلی پژوهشگران درک چگونگی شکل‌گیری این نگرش‌ها در زنان است. در این میان کفایت هیجانی[6] به عنوان متغیر میانجی نقش یک فاکتور محافظتی را ایفا کرده و در نگرش زنان به روابط فرازناشویی اثرگذار است (نوابی‌نژاد و همکاران، ۲۰۲۳).

کفایت هیجانی به عنوان توانایی درک، تنظیم، ابراز مناسب احساسات خود و درک صحیح احساسات دیگران تعریف می‌شود (متیوز و همکاران[7]، ۲۰۲۱؛ سزیسجیل و لین[8]، ۲۰۲۶). کفایت هیجانی فردی با ارتقای مهارت‌های خودتنظیمی به فرد امکان می‌دهد در مواجهه با استرس‌های محیطی، به جای واکنش‌های تکانشی از راهبردهای انطباقی برای حفظ تعادل روانی استفاده کند (مالیک[9]، ۲۰۲۱؛ یوو[10] و همکاران، ۲۰۲۰). اهمیت کارکردی کفایت هیجانی، زمانی به شکل بارزتری نمود می‌یابد که این سازه از سطح فردی به سطح بین‌فردی انتقال یابد؛ در این حالت کفایت هیجانی از یک ظرفیت درون‌فردی به یک فرایند تعاملی پویا تحول می‌یابد و فرد را قادر می‌سازد تا با درک دقیق عواطف همسر، پاسخ‌های همدلانه‌ای در بستر روابط زناشویی ارائه دهد (میولای و جاگانتان[11]،۲۰۲۰؛ جیتارو و تورلیوک[12]، ۲۰۲۲). کفایت هیجانی در سطح بین‌فردی به زوجین این توانایی را می‌دهد که فرآیندهای ارتباطی خود را از حالت‌های تدافعی به سمت الگوهای سازگارانه سوق دهند که این امر مستقیماً با بروز رفتارهای اجتماعی مطلوب، تسهیل راهبردهای حل مسئله، ارتقای ارتباطات محترمانه، افزایش کارایی در حل تعارض، تقویت صمیمیت و افزایش رضایت زناشویی مرتبط است (لوئیز اسچمدیت[13]و همکاران، ۲۰۲۴؛ کانستنت[14]و همکاران، ۲۰۲۱). در مقابل، نقص در کفایت هیجانی، زنجیره‌ای از آسیب‌ها را ایجاد می‌کند که از تخریب الگوهای تعاملی آغاز و به تعارضات مزمن می‌انجامد (هوو و همکاران[15]، ۲۰۱۹؛ مین و تاکایا[16]، ۲۰۲۱؛ بقایی و همکاران، ۲۰۲۵؛ اوگویچ[17] و همکاران، ۲۰۲۴). موناکو[18] و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که در زوجین جوان دلبستگی ناایمن از طریق کاهش توانایی تنظیم هیجان رضایت از رابطه را تضعیف می‌کند. این نقص در کفایت هیجانی عمدتاً ناشی از ضعف در مدیریت تکانشگری، تحمل ناکامی، و ناتوانی در اولویت‌بندی منافع بلندمدت بر پاداش‌های آنی است. همچنین دشواری در ایجاد و تجربهٔ آگاهانهٔ هیجانات مثبت، منجر به کاهش بهزیستی در رابطه

1 . Maphosa
2 . extramarital relationships
3 . Rokach & Chan
4 . Pichon
5 . Rosaline & Kasaraneni
6 . emotional competence
7 . Matthews
8 . Szczygieł & Lin
9 . Malik
10 . You
11 . Mulay & Jaganathan
12 . Jitaru & Turliuc
13 . Lovis-Schmidt
14 . Constant
15 . Hou
16 . Min & Takai
17 . Ogwuche
18 . Mónaco

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

می‌شود.کانستنت و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان دادند که صمیمیت در رابطه تنها تابع سبک دلبستگی نیست، بلکه توانایی‌های فرد در مدیریت و درک هیجانات (کفایت هیجانی) به عنوان یک سازهٔ میانجی تعیین‌کنندهٔ میزان صمیمیت در تعاملات زوجین است. یافته‌های پژوهش قربانی و همکاران (۱۴۰۲) و نوابی‌نژاد و همکاران (۲۰۲۳) مؤید این است که کفایت هیجانی میان تعارضات زناشویی و گرایش به خیانت نقش میانجی ایفا می‌کند. افراد با هوش هیجانی بالا از سازگاری، اعتمادبه‌نفس و خودآگاهی بیشتری برخوردارند که از ارکان حیاتی یک رابطهٔ پویا محسوب می‌شوند. هوش هیجانی به عنوان محل تلاقی مهارت‌های فردی و تسهیل‌گرهای اجتماعی-عاطفی، تعیین‌کنندهٔ میزان اثربخشی فرد در درک، ابراز و مدیریت نیازهای عاطفی است. بنابراین می‌توان گفت زوج‌هایی که دارای سطح بالایی از همدلی و مهارت‌های ارتباطی هستند، قادرند با مدیریت بحران‌های تعارض و جلوگیری از طولانی شدن کشمکش‌ها، پیامدهای مخرب گرایش به خیانت را خنثی کنند. در مقابل، کاستی در هوش هیجانی با تعمیق شکاف‌های عاطفی و تضعیف تاب‌آوری روان‌شناختی توانمندی زنان را در مدیریت چالش‌های زندگی مشترک کاهش می‌دهد. این وضعیت می‌تواند با سوق دادن فرد به سمت جستجوی تأیید و توجه از منابع بیرونی (غیرهمسر)، نگرش‌های مثبت نسبت به روابط فرازناشویی را تقویت کند (نوابی‌نژاد و همکاران، ۲۰۲۳؛ محمودی و کریمی، ۲۰۲۵؛ حاجی‌آدینه و گل‌کار، ۱۳۹۸). در نتیجه این چرخهٔ رفتاری با ایجاد شکاف میان انتظارات عاطفی و واقعیت‌های رابطه، زمینه را برای بروز اختلافات جدی فراهم می‌سازد (ایکلند و مرانوس[۱]، ۲۰۲۱؛ ولنی[۲] و همکاران، ۲۰۲۰؛ پارساکیا و همکارن، ۲۰۲۳).

مخالفت در روابط عاشقانه[۳] یکی از پیش‌بین‌های مهم در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای فرازناشویی محسوب می‌شود (لوپز[۴] و همکاران، ۲۰۲۰؛ نیل و لمی[۵]، ۲۰۱۹؛ پورملایی و همکاران، ۲۰۲۳). برخلاف روابط سازگارانه که بر پایهٔ وابستگی متقابل پویا استوارند، روابط مبتنی بر مخالفت با چالش‌های ساختاری مواجه بوده و پایداری پیوند زناشویی را با تهدید جدی روبرو می‌کنند (دلاتوره و واگنر[۶]، ۲۰۱۹). در تبیین این رابطه، لوپز و همکاران (۲۰۲۰) با اتکا به نظریهٔ روان‌شناسی تکاملی اختلاف در مؤلفه‌های رابطهٔ عاشقانه را به عنوان یک نشانگر حیاتی باز تعریف کرده‌اند. به بیان دیگر بروز اختلاف در ابعاد مختلف رابطهٔ عاشقانه، سیگنالی مبنی بر کاهش تمایل شریک زندگی به سرمایه‌گذاری عاطفی یا مادی تلقی می‌شود. این ادراک منجر به فعال‌سازی مکانیسم روان‌شناختی طرد همسر در زنان شده و در نتیجه، نگرش آنان نسبت به روابط فرازناشویی، از یک انحراف رفتاری به یک استراتژی جبرانی جهت حفظ بقا و تأمین منابع تغییر می‌کند. بر اساس مدل لوپز و همکاران (۲۰۲۰) مخالفت در رابطهٔ عاشقانه را می‌توان در سه بعد اصلی طبقه‌بندی کرد: نخست بعد عاطفی-ارتباطی است که با محوریت بی‌توجهی، ابراز علاقهٔ ناکافی و حسادت مشخص می‌شود (کاهیل[۷] و همکاران، ۲۰۲۰). مؤلفهٔ بی‌توجهی و ابراز علاقهٔ ناکافی به ضعف در بروز هیجانات مثبت و ابراز محبت نسبت به همسر اشاره دارد که زمینه‌ساز افول شور و اشتیاق، کاهش تعهد و در نهایت بروز دلزدگی زناشویی است (مافوزا[۸] و همکاران، ۲۰۱۷). حسادت به‌عنوان پدیده‌ای چندوجهی، ریشه در احساس عدم امنیت دارد و اغلب از نگرانی پیرامون تعاملات شریک زندگی با دیگران یا سوابق ارتباطی او نشأت می‌گیرد (بونک و فرناندز[۹]، ۲۰۲۰). حسادت در سطح متعادل ممکن است به تقویت صمیمیت کمک کند اما تداوم آن، اعتماد و رضایت زناشویی را به شدت فرسوده و مخدوش می‌سازد (ارشد و امران، ۲۰۲۳؛ ایدلوند و ساگارین[۱۰]، ۲۰۱۷). دوم، بعد ساختاری و وظیفه‌ای است که حول محور چالش‌های تقسیم مسئولیت‌ها و مدیریت مسائل مالی شکل می‌گیرد. در خصوص مسئولیت‌های زندگی خانوادگی شواهد پژوهشی نشان می‌دهد زنانی شاغلی که هم‌زمان مسئولیت‌های فرزندپروری را نیز بر عهده دارند، نسبت به مشارکت همسر در وظایف منزل انتظارات بالاتری دارند؛ از این‌رو، عدم همسویی و همراهی همسر با این حجم از مسئولیت‌ها می‌تواند منجر به نارضایتی‌های عمیق شود (لوپز و همکاران، ۲۰۲۰). هم‌زمان تعارضات مالی که ناشی از اختلاف‌نظر در تخصیص منابع و تصمیم‌گیری‌های مهم برای آیندهٔ خانواده و فرزندان است، به دلیل تهدید امنیت اقتصادی و ثبات ساختار خانواده نقشی تعیین‌کننده در تشدید تنش‌های زوجین ایفا می‌کند (شویتا[۱۱]، ۲۰۱۷؛ وانجیرو[۱۲] و همکاران، ۲۰۲۰؛ پاپ[۱۳]،

1 . Eklund & Meranius
2 . Wollny
3 . disagreement in romantic relationships
4 . Lopes
5 . Neal & Lemay
6 . Delatorre & Wagner
7 . Cahill
8 . Maphosa
9 . Buunk & Fernandez
10 . Edlund & Sagarin
11 . Shweta
12 . Wanjiru
13 . Papp

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

۲۰۱۸). بعد سوم به نحوهٔ رفتار و خواسته‌های جنسی همسر اشاره می‌کند. کیفیت روابط جنسی به عنوان مؤلفه‌ای حیاتی در تداوم رابطهٔ زناشویی نشان‌دهندهٔ تفاوت در مرزبندی‌ها و الگوهای رفتاری زوجین است که عدم همسویی در آن می‌تواند منجر به گسست رابطه شود (لیو و یو[1]، ۲۰۲۲؛ عطاپور و همکاران، ۲۰۲۱؛ عباسی و همکاران، ۲۰۲۰). آخرین مؤلفه به کنترل‌گری و تصمیم‌گیری‌های یک‌جانبه اشاره دارد که با محدودسازی خودمختاری همسر حس به دام افتادن و از دست رفتن عاملیت شخصی را در او تشدید کرده و زمینه را برای داشتن روابط فرازناشویی تسهیل می‌کند (لوپز و همکاران، ۲۰۲۰؛ استارک و هستر[2]، ۲۰۱۹).

در ضرورت انجام پژوهش حاضر می‌توان گفت امروزه روابط فرازناشویی یکی از اصلی‌ترین عوامل فروپاشی نهاد خانواده در سطح جهانی است. در بافت فرهنگی ایران علی‌رغم اهمیت این پدیده، به دلیل ماهیت تابوئی خیانت زنان و محدودیت در دسترسی به داده‌ها، بررسی علمی آن با چالش‌های جدی مواجه است. علاوه بر این در ادبیات پژوهشی موجود، کمبود مطالعاتی که اختلاف در رابطهٔ عاشقانه و کفایت هیجانی را به عنوان متغیرهای پیش‌بین در نگرش به روابط فرازناشویی به صورت همزمان بررسی کرده باشند، مشهود است. به همین دلیل انجام پژوهشی که به تبیین این پدیده و عوامل مرتبط با آن بپردازد، حائز اهمیت است. بنابراین این پژوهش با هدف تعیین نقش میانجی کفایت هیجانی در رابطهٔ بین مخالفت در روابط عاشقانه و نگرش به روابط فرازناشویی در زنان متأهل انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر، توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعهٔ آماری پژوهش شامل زنان متأهل شهر بوکان واقع در استان آذربایجان غربی در سال ۱۴۰۳ بود. جهت تعیین حجم نمونه کلاین[3] (۲۰۲۳) حضور حداقل ۲۰۰ شرکت‌کننده را برای مطالعات مدل‌سازی معادلات ساختاری پیشنهاد می‌کند. همچنین لوهلین[4] (۲۰۰۴) بر اساس تعداد متغیرهای مشاهده‌شده برای برآورد حجم نمونه در سطح متوسط تعداد ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر را توصیه می‌کند. بر این اساس در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن احتمال ریزش، حجم نمونهٔ اولیه ۴۰۰ شرکت‌کننده محاسبه شد که در نهایت ۳۸۵ پرسشنامه قابل استفاده مورد تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل جنسیت زن، تأهل، حداقل تحصیلات ابتدایی برای پاسخ‌گویی دقیق به سؤالات آزمون‌ها، سکونت در بوکان و علاقه‌مندی به شرکت در پژوهش در نظر گرفته شد و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل حذف پرسش‌نامه‌های مخدوش بود. جهت تسهیل در دسترسی به جامعهٔ هدف پرسشنامه‌ها در اماکنی با تمرکز بر حضور پررنگ زنان از جمله دانشگاه‌ها، اداره‌های دولتی، باشگاه‌های ورزشی، پارک‌ها، و مراکز خرید به صورت حضوری در بین شرکت‌کنندگان توزیع شد. پس از اخذ کد اخلاق پژوهش با شمارهٔ (IR.IAU. URMIA.REC.1403.132) پیش از پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات کافی دربارهٔ هدف پژوهش و نحوهٔ اجرای آن در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. همچنین به آنها توضیح داده شد که مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه است و هر زمان مایل بودند، می‌توانند از ادامهٔ همکاری انصراف دهند. در خصوص حفظ محرمانگی اطلاعات توضیح داده شد که پرسش‌نامه‌ها به‌صورت ناشناس و بدون ذکر نام و نام خانوادگی تکمیل می‌شوند و داده‌های به‌دست‌آمده صرفاً در جهت اهداف علمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نهایت، داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و با روش بوت‌استرپ در نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۲۳ و AMOS نسخهٔ ۲۴ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی[5] (ATIS): این مقیاس ۱۲ سؤالی توسط واتلی[6] (۲۰۰۶) در طیف لیکرت هفت نقطه‌ای (از ۱= کاملاً مخالفم تا ۷= کاملاً موافقم) طراحی شده و گویه‌های ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنهٔ نمرات بین ۱۲ تا ۸۴ است و نمرهٔ بالاتر نشان دهندهٔ نگرش مثبت فرد به روابط فرازناشویی است. واتلی (۲۰۰۶) روایی سازهٔ مقیاس را مطلوب و پایایی آن را با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ گزارش کرده است. ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در ایران توسط حبیبی و همکاران (۲۰۱۹) مورد بررسی قرار گرفته و ساختار عاملی مقیاس در یک عامل مرتبهٔ اول با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، تأیید شده است. همچنین، پایایی

1 . Luo & Yu
2 . Stark & Hester
3 . Kline
4 . Loehlin
5. Attitude Towards Extramarital Relationships Scale (ATIS)
6. Whatley

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

ابزار به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ و به روش بازآزمایی ۰/۸۷ گزارش شده است. روایی ملاکی واگرا با جهت‌گیری مذهبی درونی ۰/۲۹ و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۱۶ به دست آمده است (محمدپور و همکاران، ۱۴۰۲). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۸۴ گزارش شد.

نیمرخ کفایت هیجانی[1] **(PEC)**: این مقیاس ۵۰ سؤالی توسط براسور[2] و همکاران (۲۰۱۳) در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً صحیح= ۵ تا کاملاً غلط= ۱) طراحی شده و دارای دو مؤلفهٔ کفایت هیجانی فردی و بین فردی است. دامنهٔ نمرات بین ۵۰ تا ۲۵۰ است و نمرهٔ بالاتر نشان دهندهٔ کفایت هیجانی بیشتر است. براسور و همکاران (۲۰۱۳) پایایی ابزار را با آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش کردند و جهت بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج بیانگر بود که دو مؤلفهٔ کفایت هیجانی فردی و بین‌فردی قدرت تبیین ۵۳/۵۳٪ از واریانس کل را داشتند. همچنین، شاخص KMO برابر با ۰/۸۵ بود که نشان‌دهندهٔ کفایت نمونه و قابلیت تفکیک آماری مناسب بین عوامل است. ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در ایران توسط بخشی و یوسفی (۱۳۹۹) مورد بررسی قرار گرفته. آنها روایی سازه را با تحلیل عاملی تأیید و روایی همگرا را با رضایت زندگی ۰/۳۰ و شایستگی فرهنگی ۰/۵۲ و آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش کردند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش شد.

مقیاس مخالفت در روابط عاشقانه[3] **(RDRRS)**: این مقیاس۳۰ سؤالی توسط لوپز و همکاران (۲۰۲۰) در طیف لیکرت چهار درجه‌ای (از اصلاً مشکلی ندارم= ۰ تا همیشه مشکل دارم= ۳) و در ۶ مؤلفهٔ توجه و ابراز علاقه ناکافی، حسادت، مسئولیت‌ها، رابطهٔ جنسی، کنترل‌گری و مسائل مالی طراحی شده است. دامنهٔ نمرات بین ۰ تا ۹۰ است و نمرهٔ بالاتر نشان دهندهٔ مخالفت در روابط عاشقانهٔ بیشتر است. لوپز و همکاران (۲۰۲۰) روایی سازهٔ مقیاس را بالاتر از ۰/۸۰ و به صورت ۶ عامل اصلی با قدرت تبیین ۵۲٪ از واریانس کل گزارش کردند. بازآزمایی ابزار پس از گذشت سه سال و بر روی ۲۱۴ نفر اجرا شد. نتایج همبستگی به دست آمده (r=۰/۲۸، p <۰/۰۵) تأیید شده است (لوپز و همکاران، ۲۰۲۰). محمدی و همکاران (۱۴۰۱) پرسشنامه را ترجمه نموده و آلفای کرونباخ را ۰/۸۲گزارش کردند. آنها روایی همگرا را با ارزیابی رابطه ۰/۳۱- و روایی واگرا را با شادکامی ۰/۲۱- گزارش کردند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش شد.

یافته ها

حجم نمونهٔ مورد مطالعه ۳۸۵ نفر بود. میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان (۶/۳۱) ۲۲/۸۴ بود. تحصیلات: ۴۷ نفر ابتدایی (۱۲/۲٪)، ۴۰ نفر راهنمایی (۱۰/۴٪)، ۸۳ نفر دیپلم (۲۱/۶٪)، ۶۴ نفر کاردانی (۱۶/۶٪)، ۱۱۶ نفر کارشناسی (۳۰/۱٪) و ۳۵ نفر ارشد (۹/۱٪) بودند. شغل: ۲۲۹ نفر خانه‌دار (۵۹/۵ ٪)، ۸۷ نفر شغل آزاد (۲۲/۶٪) و ۶۹ نفر کارمند (۱۷/۹٪) بودند. طول مدت ازدواج: زیر ۵ سال ۸۹ نفر (۲۳/۱٪)، ۵ - ۱۰ سال ۹۰ نفر (۲۳/۴٪)، ۱۰ -۱۵ سال ۷۱ نفر (۱۸/۴٪)، ۱۵-۲۰ سال ۵۶ نفر (۱۴/۵ درصد)، ۲۵ -۳۰ سال ۵۱ نفر (۱۳/۲٪)، ۳۰ - ۳۵ سال ۱۷ نفر (۴/۴٪)، ۳۵ -۴۰ سال ۳ نفر (۰/۸٪)، ۴۰ -۴۵ سال ۴ نفر (۱٪)، ۴۵ -۵۰ سال ۳ نفر (۰/۸ ٪) و ۵۵ -۶۰ سال ۱ نفر (۰/۳٪) بود. تعداد فرزند: ۱۱۶ نفر فاقد فرزند (۳۰/۱ ٪)، ۱۱۰ نفر یک فرزند (۲۸/۶٪)، ۱۰۲ نفر دو فرزند (۲۶/۵٪)، ۴۳ نفر سه فرزند (۱۱/۲٪)، ۸ نفر چهار فرزند (۲/۱٪)، ۵ نفر پنج فرزند (۱/۳٪) و ۱ نفر بیش از پنج فرزند (۰/۳٪) داشتند. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است:

1 . Profile Of Emotional Competence (PEC)
2 . Brasseur
3. Disagreement In Romantic Relationships Scale (RDRRS)

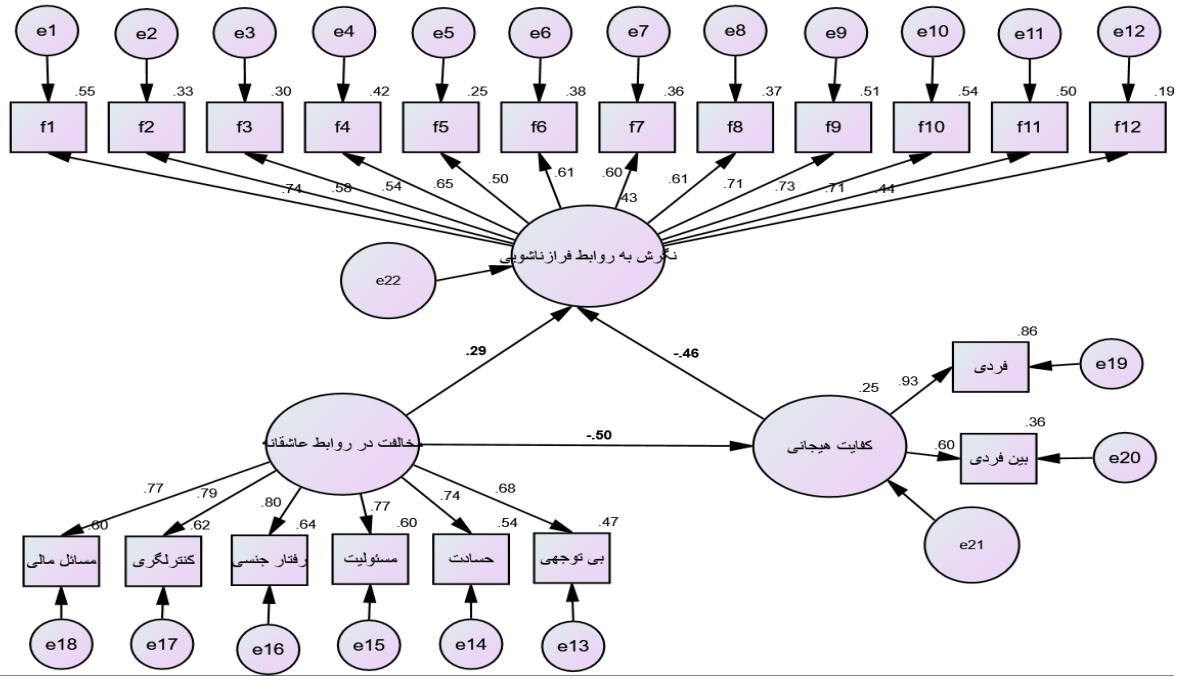
[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

جدول ۱، ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. روابط فرازناشویی	۱								
۲. عدم توجه	۰/۴۴**	۱							
۳. حسادت	۰/۳۸**	۰/۶۶**	۱						
۴. مسئولیت	۰/۳۵**	۰/۴۷**	۰/۶۲**	۱					
۵. رابطهٔ جنسی	۰/۳۵**	۰/۵۴**	۰/۵۴**	۰/۶۵**	۱				
۶. کنترل‌گری	۰/۳۳**	۰/۴۸**	۰/۵۳**	۰/۶۰**	۰/۶۶**	۱			
۷. مسائل مالی	۰/۳۵**	۰/۴۹**	۰/۵۳**	۰/۵۹**	۰/۶۲**	۰/۷۰**	۱		
۸. کفایت هیجانی فردی	-۰/۵۳**	-۰/۳۸**	-۰/۳۶**	-۰/۳۲**	-۰/۳۶**	-۰/۳۳**	-۰/۳۵**	۱	
۹. کفایت هیجانی بین فردی	-۰/۳۰**	-۰/۳۶**	-۰/۳۲**	-۰/۲۱**	-۰/۲۵**	-۰/۲۷**	-۰/۲۵**	۰/۵۵**	۱
میانگین	۳۲/۳۰	۸/۵۶	۸/۴۴	۹/۰۴	۸/۵۷	۹/۰۱	۸/۹۰	۸۷/۷۲	۵۵/۰۵
انحراف معیار	۱۴/۴۵	۴/۵۷	۴/۱۵	۴/۱۹	۴/۱۴	۴/۱۳	۴/۳۰	۲۰/۱۰	۱۴/۶۶
چولگی	۰/۱۶	-۰/۲۲	-۰/۱۱	-۰/۱۸	-۰/۲۶	-۰/۲۳	-۰/۳۰	۰/۷۹	۰/۵۵
کشیدگی	-۱/۴۸	-۱/۱۲	-۰/۹۸	-۱/۰۷	-۰/۸۷	-۰/۸۸	-۰/۸۷	۰/۹۴	۰/۲۶

**P ‹۰/۰۱

بر اساس جدول ۱، ضرایب همبستگی بین روابط فرازناشویی با مؤلفه‌های مخالفت در رابطهٔ عاشقانه در بازهٔ ۰/۳۳ (کنترل‌گری) تا ۰/۴۴ (عدم توجه) مثبت و معنادار بود. همچنین ضرایب همبستگی بین روابط فرازناشویی با کفایت هیجانی در بازهٔ ۰/۳۰- (کفایت هیجانی بین فردی) تا ۰/۵۳- (کفایت هیجانی فردی) منفی و از لحاظ آماری معنادار بود. از آنجایی که همبستگی بین متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۸۰ نیست و پارامتر تحمل متغیرها کمتر از ۰/۱۰ و عامل تورم واریانس (VIF) هیچ‌کدام از متغیرها بیش از ۲/۵ نیست؛ بنابراین، مفروضهٔ عدم هم‌خطی چندگانه برقرار است. همچنین، با توجه به اینکه مقدار آزمون دوربین-واتسون (۱/۶۱) در بازهٔ استاندارد [۱/۵ تا ۲/۵] قرار داشت، مفروضهٔ استقلال خطاها نیز تأیید شد. نتایج بررسی شاخص‌های کجی و کشیدگی نشان داد همهٔ شاخص‌ها در محدودهٔ مطلوب قرار دارند، که نشان‌دهندهٔ نرمال بودن توزیع داده‌ها است.



شکل ۱: ضرایب استاندارد مستقیم مدل نقش میانجی کفایت هیجانی در رابطهٔ مخالفت در روابط عاشقانه و نگرش به روابط فرازناشویی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

ارزیابی مدل معادلات ساختاری (شکل ۱)، نشان داد که تمام بارهای عاملی به دست آمده معنادار هستند. بر اساس داده‌های تصویر ۱، مدل پیشنهادی نقش میانجی کفایت هیجانی در رابطهٔ بین اختلاف در رابطهٔ عاشقانه و نگرش به روابط فرازناشویی، ۰/۴۳ واریانس متغیر ملاک را پیش‌بینی می‌کند. مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مدل در جدول‌های ۲ و ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۲: ضرایب مسیر مستقیم متغیرهای پژوهش در مدل معادلات ساختاری

متغیر برونداد ← متغیر درونداد	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	*C.R*	حد پایین	حد بالا	معناداری
اختلاف ← نگرش به روابط فرازناشویی	۰/۲۹	۰/۰۴	۴/۵۳	۰/۱۹	۰/۳۸	۰/۰۰۱
کفایت هیجانی ← نگرش به روابط فرازناشویی	-۰/۴۶	۰/۰۱	-۵/۸۱	-۰/۵۷	-۰/۳۷	۰/۰۰۱
اختلاف ← کفایت هیجانی	-۰/۵۰	۰/۳۵	-۸/۴۶	-۰/۵۹	-۰/۴۰	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۲ نشان داد که رابطهٔ اختلاف در رابطهٔ عاشقانه با نگرش به روابط فرازناشویی (β =۰/۲۹) مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. همچنین رابطهٔ اختلاف در رابطهٔ عاشقانه با کفایت هیجانی (β = -۰/۵۰) و رابطهٔ کفایت هیجانی با نگرش به روابط فرازناشویی (β = -۰/۴۶) منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. به این معنا که افزایش اختلاف در رابطهٔ عاشقانه با کاهش کفایت هیجانی همراه است و همچنین کم شدن کفایت هیجانی سبب افزایش نگرش به روابط فرازناشویی می‌شود. نتایج تحلیل نقش میانجی در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: ضرایب مسیر غیرمستقیم متغیرهای پژوهش در مدل معادلات ساختاری

برونداد ← میانجی ← درونداد					
اختلاف ← کفایت هیجانی ← نگرش به روابط فرازناشویی	۰/۲۳	۰/۰۴	۰/۱۷	۰/۳۱	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۳ و آزمون بوت استراپ حاکی از معناداری نقش میانجی کفایت هیجانی در ارتباط بین مخالفت در رابطهٔ عاشقانه و نگرش به روابط فرازناشویی است (P، ۰/۰۰۱= β = ۰/۲۳). به این معنا که مخالفت در رابطهٔ عاشقانه از طریق کاهش کفایت هیجانی، نگرش مثبت به روابط فرازناشویی ایجاد می‌کند. شاخص‌ها نمایانگر برازش مطلوب مدل با داده‌ها هستند:

جدول ۴: شاخص‌های برازش حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری

شاخص‌های برازش	CMIN/df	CFI	GFI	TLI	NFI	IFI	RMSEA
مدل	۲/۹۴۵	۰/۹۱۱	۰/۹۲۳	۰/۹۲۱	۰/۹۳۴	۰/۹۲۲	۰/۰۷۴
	<۳	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۰/۰۸

نتایج جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد. بر اساس مدل پژوهش نسبت مجذور خی به درجهٔ آزادی (df/χ^2) برابر با ۲/۹۴۵ و معیار تصمیم مقادیر کمتر از ۳ است؛ بنابراین این شاخص مناسب گزارش شد. در مدل پژوهش شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۷۴ و معیار تصمیم حد مجاز ۰/۰۸ است، بنابراین این شاخص نیز مناسب بود. همچنین تمام شاخص‌های برازش افزایشی (IFI)، برازش تطبیقی (CFI)، نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) و برازش هنجار شده (NFI) بالاتر از معیار تصمیم۰/۹۰ بودند که نشان دهندهٔ مناسب بودن شاخص‌ها است. بنابراین می‌توان گفت که مدل پیشنهادی پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بود.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعهٔ حاضر با هدف تعیین نقش میانجی کفایت هیجانی در رابطهٔ بین مخالفت در روابط عاشقانه و نگرش به روابط فرازناشویی در زنان متأهل انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است. به نحوی که کفایت هیجانی نقش میانجی معناداری را در رابطهٔ بین مخالفت در روابط عاشقانه با نگرش به روابط فرازناشویی ایفا می‌کند. این یافته با مطالعات (نوابی‌نژاد و همکاران، ۲۰۲۳؛ قربانی و همکاران، ۱۴۰۲) همسو و با پژوهش باقری و البهشتی (۱۳۹۹) ناهمسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

اختلاف در رابطهٔ عاشقانه در سه حوزهٔ عاطفی ارتباطی، ساختاری وظیفه‌ای و رفتارها و خواسته‌های جنسی منجر به تضعیف پیوند عاطفی، کاهش کیفیت رابطه و شکل‌گیری نگرش به روابط فرازناشویی می‌شود (لوپز و همکاران، ۲۰۲۰). یافته‌های لوئیز اسچمدیت و همکاران (۲۰۲۴) و مین و تاکایا (۲۰۲۱) بیانگر این است که اختلافات مداوم، توانمندی فرد را در تنظیم، ادراک و ابراز مؤثر هیجانات فرسوده کرده و منجر به آشفتگی عاطفی می‌شود. بر اساس نظریهٔ تبادل اجتماعی زمانی که تعارضات مزمن بر پاداش‌های عاطفی رابطه غلبه می‌کنند، هزینه‌های روانی نظیر خشم، ناکامی و فقدان همدلی افزایش یافته و فرد را به سمت مکانیسم‌های گریز (به جای حل مسئله) سوق می‌دهند؛ وضعیتی که در آن رفتارهای فرازناشویی نه یک انتخاب اولیه بلکه راهبردی جبرانی برای ارضای نیازهای برآورده نشده تلقی می‌شود (دلاتوره و واگنر، ۲۰۱۹؛ لوپز و همکاران، ۲۰۲۰). مألوف و همکاران(۲۰۱۴) در بررسی روابط زوجین به این نتیجه رسیدند که بروز برخی از اختلافات به دلیل فقدان مهارت‌های مربوط به همدلی، درک هیجانات طرف مقابل، مدیریت احساسات و ناتوانی در بازنشانی هیجانات منفی خود است که موجب ادامهٔ تعارضات و در نهایت خیانت یا جدایی زوجین می‌شوند (به نقل از لوپز و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین می‌توان گفت اختلاف در رابطهٔ عاشقانه نه تنها به صورت مستقیم، بلکه از طریق فرسایش کفایت هیجانی، منجر به تقویت نگرش روابط فرازناشویی در زنان متأهل می‌شود (نوابی‌نژاد و همکاران، ۲۰۲۳). موناکو و همکاران (۲۰۲۲) کفایت هیجانی را شامل خودآگاهی، توانایی تنظیم و کنترل هیجان‌ها، برقراری ارتباطات سالم و پاسخ‌های همدلانه در نظر می‌گیرند که نقش مؤثری در چگونگی مواجههٔ افراد با مشکلات و حل مسائل دارد. سطح بالای کفایت هیجانی به فرد این آمادگی را می‌دهد به طریقی رفتار کند که به تجارب مثبت منتهی و مانع تجارب عاطفی منفی شود. افرادی که کفایت هیجانی بالاتری دارند، بهزیستی روان‌شناختی و سازگاری بیشتری را نیز تجربه کرده و در نتیجه میزان اختلافات و نگرش به روابط فرازناشویی در آنان کاهش می‌یابد. نوابی‌نژاد و همکاران (۲۰۲۳) بیان می‌کنند که تعارضات زناشویی با کاهش کفایت هیجانی، تاب‌آوری روان‌شناختی فرد را در برابر فشارهای زندگی مشترک تضعیف کرده و او را نسبت به جستجوی پاداش‌های جایگزین در روابط بیرونی آسیب‌پذیر می‌سازند. ضعف در کفایت هیجانی نه تنها به تعمیق بیشتر شکاف‌های عاطفی می‌انجامد، بلکه نگرش به روابط فرازناشویی را به عنوان گزینه‌ای برای گریز از درماندگی هیجانی نیز تقویت می‌کند (قربانی و همکاران، ۱۴۰۲). با این حال یافته‌های باقری و البهشتی (۱۳۹۹) بیانگر این بود که کفایت هیجانی نقشی تعیین کننده در رابطهٔ اختلافات و سرخوردگیهای زناشویی با نگرش به روابط فرازناشویی ندارد و در تبیین این یافته بیان می‌کنند که جهت کاهش نگرش به روابط فرازناشویی باید مستقیماً اختلافات و سرخوردگیهای زناشویی را هدف قرار داد چرا که هوش هیجانی به تنهایی یک عامل بازدارنده نیست. در مجموع با توجه به اینکه ادبیات پژوهشی بیشتر از نقش میانجی کفایت هیجانی حمایت می‌کند، می‌توان گفت کفایت هیجانی مسیر انتقال اثر اختلافات به نگرش‌های فرازناشویی را تعیین می‌کند.

یافتهٔ دیگر پژوهش این بود که کفایت هیجانی رابطهٔ منفی و معناداری با نگرش به روابط فرازناشویی داشت که این یافته با مطالعات (نوابی‌نژاد و همکاران، ۲۰۲۳؛ اوگویچ و همکاران، ۲۰۲۴؛ قربانی و همکاران، ۱۴۰۲؛ حاجی آدینه و گلکار، ۱۳۹۸) همسو بود. به طور کلی کفایت هیجانی بر کیفیت روابط و عملکردهای سازگارانهٔ افراد اثرگذار است (مین و تاکایا، ۲۰۲۱؛ سزیسجیل و لین، ۲۰۲۶؛ میولای و جاگانتان، ۲۰۲۰). مالیک (۲۰۲۱) بیان می‌کند که سطوح بالای کفایت هیجانی فردی با افزایش سازگاری، اعتماد به‌نفس و خودآگاهی همراه است. در واقع کفایت هیجانی فردی نوعی تاب‌آوری عاطفی ایجاد می‌کند که فرد را قادر می‌سازد جهت حفظ تعادل روانی، از توانمندی‌های خود برای مدیریت مؤثر تجربیات عاطفی، کاهش حساسیت به محرک‌های هیجانی منفی و تقویت تجربیات مثبت استفاده کند. لوئیز اسچمدیت و همکاران (۲۰۲۴) مطرح کردند که کفایت هیجانی بین‌فردی به زوجین این توانایی را می‌دهد که فرآیندهای ارتباطی خود را از حالت‌های تدافعی به سمت الگوهای سازگارانه سوق دهند که این امر مستقیماً با بروز رفتارهای اجتماعی مطلوب، تسهیل راهبردهای حل مسئله، ارتقای ارتباطات محترمانه، افزایش کارایی در حل تعارض، تقویت صمیمیت و افزایش رضایت زناشویی مرتبط است. این توانایی به زوجین این فرصت را می‌دهد که با مدیریت کارآمد چالش‌ها، نه تنها از فرسایش عاطفی جلوگیری کرده بلکه با تقویت احساس رضایت، نگرش فرد را نسبت به حفظ چارچوب‌های قانونی و اخلاقی رابطه مستحکم سازد (کانستنت و همکاران، ۲۰۲۱؛ بقایی و همکاران، ۲۰۲۵). عکس این مسئله را می‌توان در پژوهش‌های محمودی و کریمی (۲۰۲۵) و نوابی‌نژاد و همکاران (۲۰۲۳) یافت. این پژوهشگران دریافتند در صورتی که زوجین در کفایت هیجانی مشکل داشته باشند، شکاف‌های عاطفی آنها تشدید شده و این امر می‌تواند منجر به تغییر در نظام ارزشی و نگرش آن‌ها نسبت به وفاداری و تعهد شود.

یافتهٔ بعدی این بود که مخالفت در روابط عاشقانه رابطهٔ منفی و معناداری با کفایت هیجانی داشت که این یافته با پژوهش‌های (قربانی و همکاران، ۱۴۰۲؛ لوئیز اسچمدیت و همکاران، ۲۰۲۴؛ پیچون و همکاران، ۲۰۲۰؛ پارساکیا و همکارن، ۲۰۲۳) همسو بود. تبیین این

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

رابطه را می‌توان در چارچوب فرآیندهای تنظیم هیجان و الگوهای تعاملی زوجین بررسی کرد. لوئیز اسچمدیت و همکاران (۲۰۲۴) معتقد هستند که مخالفت‌های مکرر و به‌ویژه تعارضات مزمنی که به شیوه‌ای ناکارآمد مدیریت می‌شوند به عنوان عوامل استرس‌زای مداوم توانمندی‌های هیجانی فرد را فرسوده می‌کنند. در مواجهه با این تنش‌های مستمر شدت هیجان‌های منفی نظیر خشم، اضطراب و سرکوب هیجانی به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد؛ وضعیتی که مانع از به‌کارگیری استراتژی‌های سازنده در تنظیم هیجان شده و فرد را در وضعیت هیجانی خارج از کنترل قرار می‌دهد. علاوه بر این، ناتوانی در بازگشت به حالت تعادل هیجانی پس از یک درگیری موجب می‌شود که زوجین تعارضات بعدی را با بار هیجانی منفی باقی‌مانده از درگیری‌های پیشین آغاز کنند. این پدیده یک حلقهٔ بازخورد منفی ایجاد می‌کند که در آن کارایی فرایند تنظیم هیجان به‌طور مستمر کاهش یافته و همین مسئله شدت و تکرار مخالفت‌ها را تشدید می‌کند (ایکلند و مرانوس، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، ماهیت الگوهای ارتباطی نیز در تبیین کاهش کفایت هیجانی نقش مهمی دارند. ولنی و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که بروز مخالفت‌های مستمر منجر به ایجاد فاصله‌گیری عاطفی شده و در زوجین رفتارهایی را برمی‌انگیزد که مانع از درک صحیح و پاسخ‌گویی همدلانه به نیازهای عاطفی طرف مقابل می‌شود. فقدان همکاری در حل تعارض، ناتوانی در دستیابی به راه‌حل‌های موفقیت‌آمیز و از دست رفتن دیدگاه همدلانه، در مجموع منجر به کاهش تدریجی توانمندی‌های خودتنظیمی و در نهایت کاهش سطح کفایت هیجانی زوجین می‌شود (پارساکیا و همکاران، ۲۰۲۳).

آخرین یافتهٔ پژوهش حاضر نشان داد که مخالفت در روابط عاشقانه رابطهٔ مثبت و معناداری با نگرش به روابط فرازناشویی داشت که این یافته با نتایج پژوهش‌های (لوپز و همکاران، ۲۰۲۰؛ پورملایی و همکاران، ۲۰۲۳؛ دلاتوره و واگنر، ۲۰۱۹؛ بونک و فرناندز، ۲۰۲۰) همسو بود. در تبیین این ارتباط شواهد پیشین (مافوزا و همکاران، ۲۰۱۷؛ ارشد و امران، ۲۰۲۳) حاکی از آن است که ابعاد عاطفی اختلاف به‌ویژه فقدان توجه و حسادت نقشی تعیین‌کننده در تغییر نگرش زنان نسبت به روابط فرازناشویی ایفا می‌کنند. لوپز و همکاران (۲۰۲۰) استدلال می‌کنند که بروز اختلاف میان زوجین، به عنوان نشانگری از کاهش تعهد شریک عاطفی به سرمایه‌گذاری‌های مادی و عاطفی ادراک می‌شود. این ارزیابی شناختی با فعال‌سازی مکانیسم دفاعی طرد همسر در زنان، نگرش آنان را به سوی روابط فرازناشویی سوق می‌دهد. افزون بر مؤلفه‌های عاطفی، تقسیم ناعادلانهٔ مسئولیت‌های خانه و مراقبت از فرزندان به‌دلیل تحمیل هزینه‌های سنگین جسمانی و روانی، از محرک‌های اصلی نارضایتی است که در بلندمدت منجر به فرسودگی و سستی در پایبندی به پیوند زناشویی می‌گردد (لوپز و همکاران، ۲۰۲۰). پاپ (۲۰۱۸) و لوپز و همکاران (۲۰۲۰) نیز تعارضات اقتصادی را عاملی کلیدی در بروز تنش‌های زناشویی در نظر می‌گیرند. در این زمینه، شویتا (۲۰۱۷) بر ضرورت توجه به بافت اجتماعی-فرهنگی تأکید می‌کند. در خانواده‌های سنتی اشتغال زنان با چالش‌هایی در ساختار قدرت و کاهش جایگاه مردان همراه است؛ مسئله‌ای که در صورت فقدان درک متقابل و مهارت حل تعارض منجر به تشدید تنش‌ها می‌شود. وانجیرو و همکاران (۲۰۲۰) نیز تأکید می‌کنند که نابسامانی‌های اقتصادی و عدم مسئولیت‌پذیری مردان در تأمین معیشت از عوامل اصلی گرایش زنان به روابط فرازناشویی است. سومین بعد اختلاف در رابطهٔ عاشقانه، به مسائل جنسی و رفتارهای کنترل‌گرانه می‌پردازد. پژوهش‌های متعددی بیانگر آن است که نارضایتی جنسی، عاملی اساسی در گرایش به روابط فرازناشویی محسوب می‌شود (دلاتوره و واگنر، ۲۰۱۹؛ لیو و یو، ۲۰۲۲). عطاپور و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند نارضایتی جنسی فراتر از یک چالش فردی، محرکی برای بروز تنش‌های عمیق در روابط زوجین است؛ به‌گونه‌ای که با ایجاد هیجانات منفی نظیر احساس حقارت، کاهش خودپنداره و کاهش صمیمیت، بستر را برای گسست عاطفی فراهم می‌سازد. به علاوه تجربهٔ مکرر ناکامی‌های جنسی و در پی آن رفتارهای جبرانی یا انتقام‌جویانه، پایداری پیوند زناشویی را به‌طور جدی تهدید می‌کند (عباسی و همکاران، ۲۰۲۰). در نهایت، استارک و هستر (۲۰۱۹) نشان دادند که رفتارهای سلطه‌جویانه و محدودیت‌های تحمیلی شوهر، ضمن کاهش سلامت روان و صمیمیت، عاملی ترغیب‌کننده برای نقض تعهدات زناشویی است. لوپز و همکاران (۲۰۲۰) تأکید می‌کنند که شش مؤلفهٔ اختلاف در روابط عاشقانه از طریق ایجاد نارضایتی‌های ساختاری، عاطفی و جنسی زمینه‌ساز تغییر نگرش زنان به روابط فرازناشویی می‌شوند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان داد که بین اختلاف در رابطهٔ عاشقانه و کفایت هیجانی با نگرش به روابط فرازناشویی رابطهٔ معنادار وجود داشت. همچنین نقش میانجی کفایت هیجانی در رابطهٔ بین اختلاف در رابطهٔ عاشقانه با نگرش به روابط فرازناشویی تأیید شد؛ بنابراین می‌توان گفت با وجود تأثیرگذاری اختلافات بر نگرش‌های فرازناشویی، شواهد نشان می‌دهد که میزان آسیب‌پذیری زنان یکسان نیست و این ناهمسانی در واکنش به اختلافات، ناشی از ظرفیت‌های هیجانی فرد برای مواجهه با چالش‌ها است.

پژوهش حاضر با برخی محدودیت‌ها مواجه بود. نخست، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ممکن است منجر به محدودیت در تعمیم‌پذیری نتایج شود. دوم، ماهیت حساس و تابوئی موضوع روابط فرازناشویی می‌تواند موجب بروز سوگیری زنان در پاسخ‌دهی شود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

سوم، اتکای پژوهش به ابزارهای خودگزارشی همواره با خطر سوگیری‌های فردی همراه است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی و رویکردهای کیفی (مانند مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته) استفاده شود. در سطح کاربردی به روان‌شناسان و مشاوران توصیه می‌شود با تمرکز بر برگزاری کارگاه‌های مهارت‌آموزی، به ارتقای مهارت‌های مقابله‌ای و توانمندسازی روانی (به ویژه در زنان) بپردازند تا از کاهش منابع روانی در مواجهه با تنش‌های زناشویی جلوگیری شود.

منابع

باقری، ن و البهشتی، غ.(۱۳۹۹). بررسی سرخوردگی زناشویی در نگرش به روابط فرازناشویی با نقش هوش هیجانی. *رویش روان‌شناسی*، ۹ (۹): ۱۴۶-۱۳۹. URL: http://frooyesh.ir/article-۲۲۰۷-۱-fa.html

بخشی، ن و یوسفی، ف. (۱۳۹۹). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامهٔ نیمرخ شایستگی هیجانی. *مجلهٔ روانشناسی*، ۲ (۲۴): ۱۶۶-۱۵۰. 20.1001.1.18808436.1399.24.2.2.7

حاجی‌آدینه، ش و کلهرنیا گلکار، م. (۱۳۹۸). رابطهٔ هوش هیجانی و معنوی با نگرش دانشجویان به روابط فرا زناشویی. سلامت اجتماعی، ۶(۴)، ۳۸۰-۳۸۸. https://doi.org/10.22037/ch.v6i4.23331

قربانی، س؛ رجایی، م و امانی، ا.(۱۳۴۲). پیش‌بینی نمرهٔ تمایل به روابط فرازناشویی براساس صفات چهارگانهٔ تاریک شخصیت و هوش هیجانی در زوجین دارای تعارض زناشویی. *مجلهٔ مطالعات ناتوانی*، ۱۳ (۷۴): ۱-۸. jdisabilstud.org/article-۲۵۶۹-۱-fa.html

محمدی، ب؛ آزاد فلاح، پ؛ فتحی آشتیانی، ع و فراهانی، ح. (۱۴۰۱). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخهٔ فارسی مقیاس مخالفت در روابط عاشقانه. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۲۰(۲): ۲۰۷-۲۲۰. doi: 10.22070/cpap.2022.14857.1116

محمدی‌پور، م؛ ملک‌زاده، ف و محمدی‌پور، س. (۱۴۰۲). مدل ساختاری روابط فرازناشویی بر اساس طرحواره‌های شناختی و ناگویی هیجانی با میانجی‌گری عملکرد خانواده. *رویش روان‌شناسی*، ۱۲ (۶) :۱۹۴-۱۸۳. URL: http://frooyesh.ir/article-1-4554-fa.html

هادیان، ص، و امینی، د. (۱۳۹۸). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس هوش عاطفی، مهارت‌های ارتباطی و تعارضات زناشویی زوجین متاهل دانشگاه آزاد همدان. *پژوهشنامهٔ زنان*، ۱۰(۱ (پیاپی ۲۷))، ۱۷۹-۲۱۱. https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_4033.html

Abbasi, A. R. K; Tabatabaei, S. M; Sharbaf, H. A ;& Karshki, H. (2016). Relationship of attachment styles and emotional intelligence with marital satisfaction. *Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences*, *10*(3).https://doi.org/10.17795/ijpbs-2778

Arshad, A ; & Imran, N. H. (2023b). Partner Phubbing, Romantic Jealousy and Marital Satisfaction among Married Individuals. *Applied Psychology Review*, 1(2). https://doi.org/10.32350/apr.12.01

Atapour, N; Falsafinejad M. R; Ahmadi, K ;& Khodabakhshi-Koolaee, A. (2021). A Study of the Processes and Contextual Factors of Marital Infidelity. *Journal of Practice in Clinical Psychology*, 9(3), 211-226. http://dx.doi.org/10.32598/jpcp.9.3.758.2

Baghaei, N; Zareei Mahmoodabadi, H ;& Naderi Nobandegani, Z.(2025). The Role of Interpersonal Emotion Regulation in Couples' Relationships: Grounded Theory. *Iran J Psychiatry Behav Sci*, 19(1):e148166. https://doi.org/10.5812/ijpbs-148166

Brasseur, S; Grégoire, J; Bourdu, R;& Mikolajczak, M. (2013). The profle of emotional competence (PEC): Development and validation of a self-reported measure that fts dimensions of emotional competence theory. *PLoS ONE*, 8(5), e62635. DOI: 10.1371/journal.pone.0062635

Buunk, A. P ;& Fernandez, A. M. (2020). Don't cheat like i did: Possessive jealousy and infidelity in close relationships. *Interpersona*, 14(2): 211-216. https://doi.org/10.5964/ijpr.v14i2.4265

Cahill, V. A; Malouff, J. M; Little, C. W;& Schutte, N. S. (2020). Trait perspective taking and romantic relationship satisfaction: A meta-analysis. *Journal of Family Psychology*, 34(8), 1025–1035. https://doi.org/10.1037/fam0000661

Constant, E; Christophe, V; Bodenmann, G ;& Nandrino, J. (2021). Attachment orientation and relational intimacy: mediating role of emotional competences. *Current Psychology*, 40(3), 1374–1385. https://doi.org/10.1007/s12144-018-0062-x

Delatorre, M. Z ;& Wagner, A. (2019). How do couples disagree? An analysis of conflict resolution profiles and the quality of romantic relationships. *Revista Colombiana de Psicología*, 28(2): 91–108. DOI:10.15446/rcp.v28n2.72265

Edlund, J. E ;& Sagarin, B. J. (2017). Sex differences in jealousy: A 25-year retrospective. In J. M. Olson (Ed.). *Advances in experimental social psychology*, 259–302 . https://doi.org/10.1016/bs.aesp.2016.10.004

Eklund, J;& Summer Meranius, M. (2021). Toward a consensus on the nature of empathy: A review of reviews. *Patient Educ Couns*, 104(2): 300-307. 10.1016/j.pec.2020.08.022.

Habibi, M; Sayed Alitabar, SH; Pouravari, M ;& Salehi, S. (2019).Reliability, validity and factor structure for the attitudes toward infidelity scale. *Journal of Research and Health*, 9(4):294-301. DOI: 10.29252/jrh.9.4.294

Hou, Y; Jiang, F ;& Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor–partner interdependence model. *International Journal of Psychology*, 54(3): 369–376. https://doi.org/10.1002/ijop.12473

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

Jitaru, M ;& Turliuc, MN.(2022). Interpersonal Emotion Regulation Strategies and Anticipated Emotions in Couples: A Mixed Method Approach. *J Soc Res Intervent*, 76:34-52. https://doi.org/10.33788/rcis.76.3.

Kline, R. B. (2023). *Structural equation modeling in neuropsychology research*. In G. G. Brown, B. Crosson, K. Y. Haaland, & T. Z. King (Eds.), APA handbook of neuropsychology: Neuroscience and neuromethods (pp. 681–698). American Psychological Association. https://doi.org/10.1037/0000308-034.

Loehlin, J.C. (2004). *Latent Variable Models: An Introduction to Factor, Path, and Structural Equation Analysis* (4th ed.). Psychology Press. https://doi.org/10.4324/9781410609823

Lopes, G. S; Shackelford, T. K; Buss, D. M ;& Abed, M. G. (2020). Individual differences and disagreement in romantic relationships: Corrigendum. *Personality and Individual Differences*, 166: 110176. https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110176

Lovis-Schmidt, A; Tavener, D; Oestreich, J ;& Rindermann, H. (2024). The role of emotional competence in romantic and non-romantic relationships: A meta-analysis. *Personality and Individual Differences*, 230: 112813. 10.1016/j.paid.2024.112813

Luo, W;& Yu, J. (2022). Sexual infidelity among the married in China. *Chinese Journal of Sociology*, 8 (3): 374-397. https://doi.org/10.1177/2057150X221108574

Malik, S. A.(2021). Emotional Competence and Marital Adjustment among Childless Women. *International Journal of Behavioral Sciences*, 15(1), 73-78. doi: 10.30491/ijbs.2021.250640.1382

Maphosa, S; Mutandwa, P ;& Nyamayaro, AT. (2017). Infidelity appetite: psychological factors influencing married women to engage in extramarital affairs. *Int J Innov Res Dev*, 6(1): 46-52. https://www.i-scholar.in/index.php/IJIRD/article/view/142242

Matthews, M; Webb, T. L; Shafir, R; Snow, M ;& Sheppes, G. (2021). Identifying the determinants of emotion regulation choice: A systematic review with meta-analysis. *Cognition and Emotion*, 35(6): 1056–1084. DOI: 10.1080/02699931.2021.1945538

Min, M. C ;& Takai, J. (2021). The effect of emotional competence on relational quality: Comparing Japan and Myanmar. *Current Psychology*, 40(2), 782–792. https://doi.org/10.1007/s12144-018-0002-9

Mohammadi, M ;& Karami, A.(2025). Prediction of Attitude Toward Marital Infidelity in Married Women Based on Quality of Relationship with Father, Religious Attitude and Emotional Dysregulation. *Health Spiritual Med Ethics*, 12(1):9-16. http://dx.doi.org/10.32598/hsmej.12.1.199.5

Mónaco, E; de la Barrera, U ;& Montoya-Castilla, I. (2022). Are emotional competencies mediators between attachment and relationship satisfaction in young couples? *Behavioral Psychology*, 30(2), 427–445. DOI: 10.51668/bp.8322206n

Mulay, H ;& Jaganathan, S. (2020). Study of Emotional Intelligence and its Impact on Couple Relationships and Work Life Balance in and around Mumbai. *IIBM'S Journal of Management Research*, 5: 1- 2. https://iibmjournalofmanagementstudies.

Navabinejad, Sh; Rostami, M ;& Parsakia, K. (2023). The mediating role of emotional intelligence in the relationship between marital conflicts and tendency to marital infidelity in couples. *JARAC*, 5(1): 1-8. https://doi.org/10.61838/kman.jarac.5.1.1

Neal, A. M ;& Lemay, E. P. (2019). The wandering eye perceives more threats: Projection of attraction to alternative partners predicts anger and negative behavior in romantic relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 36(2): 450-468. 10.1177/0265407517734398

Ogwuche, C; Isaac, T; Caleb, O ;& Dorcas, T.(2024). Marital Infidelity Among Married Couples: Predictive Roles Of Emotional Intelligence And Narcissistic Personality Traits In Makurdi Benue State. *Journal of Innovation in Psychology, Education and Didactics*, 28(1), 17-26. 10.29081/JIPED.2024.28.1.03

Parsakia, K; Rostami, M;& Saadati, S. M. (2023). The Relationship between Emotional Intelligence and Marital Conflicts Using Actor-Partner Interdependence Model. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 1(1), 23-28. https://doi.org/10.61838/kman.jprfc.1.1.6

Papp, LM (2018). Topics of marital conflict in the everyday lives of empty nest couples and their implications for conflict resolution. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 2,17(1): 7-24. doi.org/10.1080/15332691.2017.1302377

Pichon, M; Treves-Kagan, S; Stern, E; Kyegombe, N; Stöckl, H ;& Buller, AM. (2020). A mixed- methods systematic review: infidelity, romantic jealousy and intimate partner violence against women. *International journal of environmental research and public health*, 17(16): 5682. 10.3390/ijerph17165682.

Pourmolaie, S; Sazesh Rahbarjou, S. S ;& Shamsaldini, A. (2023). Predicting Attitudes Towards Marital Infidelity Based on Marital Conflict and Marital QualityAmong Women. *Psychology of Woman Journal*, 4(3), 48-54. http://dx.doi.org/10.61838/kman.pwj.4.3.6

Rokach, A ;& Chan, SH. (2023). Love and Infidelity: Causes and Consequences. *Int J Environ Res Public Health*, 22, 20(5): 3904. doi: 10.3390/ijerph20053904.

Rosaline, S ;& Kasaraneni, H. (2024). Surge in Extramarital Affairs During Work from Home: What We Know So far. *The Family Journal*, 32(1):95-101. 10.1177/10664807221123548

Shweta, D. R. (2017). Marital adjustment among dual career couples in relation to age. *International Journal of Innovative Research in Science*, 6(3): 4389-4392. DOI:10.15680/IJIRSET.2017.0603134

Stark, E ;& Hester, M. (2019). Coercive control: Update and review. *Violence against women*, 25(1): 81-104. 10.1177/1077801218816191

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

Szczygieł, D ;& Lin, G.-X. (2026). Two faces of emotional competence: Unique roles ofintrapersonal and interpersonal skills in adaptive functioning. *Personality and Individual Differences*, 254, 113657. https://doi.org/10.1016/j.paid.2026.113657

You, M; Laborde, S; Dosseville, F; Salinas, A ;& Allen, M. S. (2020). Associations of chronotype, big five, and emotional competences with perceived stress in university students. *Chronobiology International*, 37(7), 1090–1098. https://doi.org/10.1080/07420528.2020.1752705

Wanjiru, V; Ireri, N ;& Menecha, J. B. (2020). An investigation of the factors contributing to infidelity among married couples in selected mainstream churches in kikuyu constituency, Kiambu County, Kenya. *Journal of Sociology, Psychology & Religious Studies*, 2(2), 1-8. https://stratfordjournals.org

Whatley, M.(2006). *Whatley MA. Attitudes toward infidelity scale.* In: Knox D, Schacht C. Choices in relationships: an introduction marriage and the family. 11th ed. Belmont, CA: Thompson Wadsworth Publishing 2012. www.scribd.com/document/152231639/Attitudes-Toward-Infidelity-Scale

Wollny, A; Jacobs, I ;& Pabel, L. (2020). Trait Emotional Intelligence and Relationship Satisfaction: The Mediating Role of Dyadic Coping. *The Journal of Psychology*, 154(1): 75–93. 10.1080/00223980.2019.1661343

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]